

چالش معدن و رویکرد پسابر جام



آبدین زینالزاده
کارشناس و فعال معدن

مشکلات و چالش‌های حوزه معدن به ۲ دسته داخلی و خارجی تقسیم می‌شود؛ مشکلاتی که منشأ خارجی دارد، بیشتر ناشی از محدودیت‌هایی است که بر اثر تحریم‌های سخت و ظالمانه بر دوش بخش معدن گذاشته شده است. این مشکلات به‌طور عموم مربوط به تامین امکانات سخت‌افزاری و دانش و پیشرفت‌های روز است. جز این ۲ مورد باید گفت هر چالش دیگری که در حوزه معدن به‌چشم می‌خورد، منشأ داخلی دارد.

اگر بخواهیم فهرستی از چالش‌های داخلی بخش معدن تهیه کنیم، به‌گمان من باید در صدر آن ممانعت‌های محلی برای معدنکاری قرار داد.

هرچه زمان می‌گذرد و بر عمر صنعت معدن افزوده می‌شود، با کمال تأسف سرمایه‌های اجتماعی حوزه معدن و صنایع وابسته، تحلیل می‌رود. این افول، امروزه به جایی رسیده است که زمینه برخورد‌های سخت و خشن‌تبار میان مکتشفان و معدنکاران را با مردم محلی ایجاد کرده است. شاهد این ادعا قتل معدنکاری در یکی از روستاهای مشکین‌شهر اردبیل است که به‌تازگی اتفاق افتاد.

چالش مهم دیگر، سنگ‌اندازی دستگاه‌های ذی‌ربط در صدور مجوز فعالیت معدنی و ایجاد منع و محدودیت‌های متعدد برای این بخش است. در شرح این چالش باید گفت دستگاه‌های اجرایی و متولیان معدن با افزایش موارد مخالفت (موضوع ماده ۲۴ قانون معدن) روز به روز عرصه را بر معدنکاران تنگ‌تر می‌کنند و در نتیجه عرصه‌های مستعد معدنکاری از دسترس سرمایه‌گذاری‌های اکتشافی دورتر می‌شوند.

نکته مهم بعدی، حاکمیت و مدیریت ناصحیح معدنی است، البته باید به این نکته اشاره کرد که امروزه در مقایسه با ادوار گذشته و دولت‌های پیشین، کمی از پیچ و خم‌های قانونی و ضعف‌های مدیریتی کاسته و بر برخی حوزه‌ها از دایره تصدی‌گری وزارت صنعت، معدن و تجارت خارج شده که باعث خوشحالی جامعه معدنی کشور است.

بخشی از گرفتاری‌هایی که بر اثر مدیریت ناصحیح معدنی به‌وجود آمده، عبارت است از: نقص قانونی، کمبود سرمایه‌گذاری، ناپایداری بازارهای کامودیتی، موانع تولید، مشکلات مربوط به نیروی انسانی، حوادث منجر به آسیب‌دیدگی یا فوت، مشکلات معدنی و مانند آن. اگر مدیریت دولتی در این حوزه صحیح بود، لاف‌لاقی باید بخشی از این مشکلات نزولی می‌شد، اما متأسفانه این اتفاق تاکنون رخ نداده است. حال که زمزمه‌های بازگشت به توافق برجام به‌گوش می‌رسد، بد نیست نکاتی به‌تأثیر تحریم‌ها بر معدنکاری بیفزاییم.

بخش اکتشاف معدن تا حد زیادی به دانش روز و پیشرفت‌های فناوریانه وابسته است. بدیهی است زمانی که ارتباط ما با دنیا قطع و راه دسترسی به فناوری روز به کانال‌های محدود و کشورهای معدودی انحصار یافت، این بخش با مشکلات فراوانی روبرو شود.

بدیهی است، نتیجه این چالش چیزی جز عقب‌ماندگی از دانش و دستاوردهای روز، کمبود تجهیزات، رکود دانش و فنون اکتشافی، فرسودگی ناوگان معدنی و خستگی پژوهشگران حوزه معدن و صنایع معدنی نبوده است، از سوی دیگر، با افزایش چندبرابری نرخ تمام‌شده تجهیزات و ماشین‌آلات کارکرده‌ای که به‌دست معدنکاران می‌رسد، ضرر و زیان این بخش چندین برابر شده است.

به‌طور خلاصه می‌توان تحریم‌ها را مسدودکننده درجه‌ای ارتباط ایران با کشورهای دیگر دانست و به این ترتیب چه از نظر تبادلات مالی که یکی از پیش‌نیازهای اساسی این حوزه است و چه از نظر تبادل دانش و تامین تجهیزات و ماشین‌آلات، کشور دچار آسیب‌های فراوان می‌شود.

اما باز هم پسابر جام...

باید اعتراف کرد توسعه در درون مرزهای یک کشور اتفاق نمی‌افتد و نخواهد افتاد. این بیماری که خودمان همه‌چیز تولید خواهیم کرد، اثر و نتایجی به‌مراتب مخرب‌تر از تحریم‌ها ایجاد خواهد کرد.

مگر در دنیا چند کشور و شرکت می‌توانند دامپ‌تراک و سایر ماشین‌آلات معدنی را با کیفیت و استاندارد مناسب تولید کنند؟ به‌جرات می‌توان گفت بیش از انگلستان یک دست نیست. اعتماد به به متخصصان ملی و مهندسان داخلی یک وظیفه و ضرورتی است که کشورهای پیشرو در هر حوزه دانش‌بنیان، آن را به‌عنوان اصل اولیه پذیرفته‌اند، اما این پیشرفت‌ها نه یک‌شبه حاصل می‌شود و نه با چند دهه محروم کردن جامعه از فناوری‌های روز دنیا به‌دست می‌آید.

در پایان، به‌عنوان یک‌فعال حوزه معدن از مسئولان و تصمیم‌گیران این حوزه تقاضا می‌کنم که حوزه معدن و صنایع معدنی را به سرنوشت خودروسازی دچار نکنند.

چشم‌انداز معدنی

editor@smtnews.ir

باعث می‌شود هزینه تولید افزایش یابد و در ادامه شاهد کاهش تولیدات ماشین‌آلات باشیم. حسینی‌کیا گفت: برای اینکه عرضه و تقاضا را در کنار هم قرار دهیم و مشکلاتی را که در تامین ماشین‌آلات به‌وجود می‌آید، کمتر کنیم، ناچار هستیم در این حوزه واردات داشته باشیم. این واردات را می‌توانیم به‌طورکامل آزاد نکنیم و برای آن تعداد و محدودیت قائل شویم تا از یک‌سو توسعه منابع و معادن را داشته باشیم و از سوی دیگر واحدهای تولیدی هم به تولیدات خودشان ادامه دهند.

نایب رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس افزود: در واقع شرکت‌هایی مانند هپکو که ماشین‌آلات سنگین و معدنی تولید می‌کنند، توان تولید آن تعداد ماشین‌آلاتی را که موردنیاز کشور است، ندارند و این امر موجب می‌شود که عرضه و تقاضا در تناسب نباشد و صنایع را با مشکلاتی روبه‌رو کند. وی با اشاره به فرسودگی ناوگان ماشین‌آلات معدنی، تأکید کرد: معادن به‌صورت جدی و فوری نیازمند نوسازی ناوگان ماشین‌آلات هستند، چرا که این ناوگان‌ها فرسوده شده‌اند و به‌طورحتم باید نوسازی شوند. این فرسودگی

نایب رئیس کمیسیون صنایع مجلس با بیان اینکه ماشین‌آلات معدنی باید نوسازی شوند، گفت: تولیدکنندگان داخلی توان تولید آن تعداد ماشین‌آلاتی را که موردنیاز کشور است، ندارند. سیدجواد حسینی‌کیا در گفت‌وگو با مهر، درباره واردات ماشین‌آلات در بخش معدن، بیان کرد: ماشین‌آلات معدنی در کشور تولید می‌شود، اما متأسفانه صنایع بزرگی که ماشین‌آلات معدنی تولید می‌کنند، به تعداد کافی نیست و تولیدات‌شان نیز محدود است، در نتیجه نمی‌توانند تمامی نیازها را در حوزه ماشین‌آلات معدنی پاسخ دهند.

عرضه و تقاضای ماشین‌آلات معدنی تناسب ندارد

در گزارش صنعت درباره تحریم و اثرات آن بر حوزه معدن عنوان شد

ضعف مدیریت داخلی، چالش اصلی معدنکاری

مهم‌ترین مشکل بخش معدن کشور چیست؟



عکس: سمنار

تامین ماشین‌آلات، عوارض صادراتی، حقوق دولتی، معارضات محلی یا...؛ چقدر این مشکلات منشأ داخلی دارند و چقدر حاصل تحریم‌های وسیعی هستند که چند سالی است گریبان کشور را گرفته است؟ اگر توافق برجام نهایی شود، چه مقدار از مشکلات این بخش مرتفع خواهد شد؟ در گزارش امروز صفحه معدن روزنامه **سمنار**، نظر سیامک حاج‌سیدجوادی، فعال معدنی و تحلیلگر بازار سنگ و انوشیروان دلیریان، صاحب‌نظر و کارشناس حوزه معدن را در این زمینه جویا شدیم.

گیتا جاودانی

editor@smtnews.ir

قبرستان ماشین‌آلات سنگین



دوران پسابر جام

اگر توافقی انجام بگیرد و تحریم‌ها به‌طور کامل برداشته شود، نقل و انتقال و مبادلات ارزی، واردات و خرید از خارج کشور آزاد می‌شود و این اتفاق بسیار خوبی است، اما اگر واقعا توافق حاصل شود، تنها ۴۰،۳۰ درصد از مشکلات واحدهای معدنی حل خواهد شد، خوشبختانه بخش خصوصی به‌سرعت می‌تواند این مشکلات را حل کند.

اما سهم زیادی از معادن کشور تحت‌پوشش شرکت‌های دولتی و نیمه‌دولتی یا خصوصی هستند، بنابراین به‌طورمستقیم از ضعف مدیریتی آسیب می‌بینند.

برای رفع چالش‌های کشور باید همگام با رفع تحریم‌های خارجی، مشکلات داخلی را هم برطرف کنیم، در غیر این صورت، نمی‌توان تولید را بالا برد، معدن را پویا کرد، هزینه‌ها را کاهش داد و توجیه اقتصادی برای فعالیت این ایجاد کرد.

اگر تحریم برداشته شود، از فردا می‌توان سنگ، کرومیت، مس، سنگ‌آهن و تولیدات دیگر را صادر کرد، اما اگر هزینه‌های بالاسری بخش معدن مثل هزینه تامین ماشین‌آلات، تعمیر و نگهداری، عوارض زیاد، حقوق دولتی نادرست و امثال آن حل نشود، آیا باز توان رقابتی در بازارهای صادراتی وجود دارد؟ پس به‌گمان من، ابتدا باید این مشکلات را مرتفع کرد که جزو همان ۷۰ درصد مشکلات داخلی به‌شمار می‌رود و ناشی از سیاست‌گذاری و مدیریت نادرست است.

اگر ما این مشکلات مدیریتی و قوانین و سیاست‌ها را تغییر ندهیم، برجام خیلی مؤثر نخواهد بود.

مشاهده کرد. یکی در زمینه صادرات محصولات است که سخت‌تر شده، اما باز هم انجام شدنی است، هرچند در بعضی از حوزه‌های جغرافیایی به‌دلیل تحریم‌ها امکان فعالیت وجود ندارد، اما حوزه‌ها و بازارهای هدف دیگری وجود دارد که می‌توانیم با آنها ارتباط داشته باشیم.

اما موضوع دیگر، مسئله نقل و انتقالات ارزی صادرات است. می‌توان تحریم‌ها را دور زد، اما این کار هزینه دارد که مشکلات عیدیه‌ای برای معدنکار و صادرکننده ایجاد می‌کند. به‌عبارت دیگر، هزینه انتقال ارز از کانال شرکت‌های واسطه که در کشورهایی مثل ترکیه، دوبی، عمان و امثال آن هزینه‌های سربرار خودش را دارد و باعث می‌شود که سهم زیادی از سود صادرات معدنکار را بگیرند.

از طرف دیگر تا چندی پیش که ارز نیمايي مطرح بود، اختلاف نرخ ازز نیمايي و آزاد بسیار زیاد بود و همین باعث می‌شد که معدنکار با مشکل روبه‌رو شود، خوشبختانه الان این اختلاف کمتر شده، اما قوانینی در مسیر استفاده از حاصل از صادرات، بروکرسی اداری سنگین دارند که مشکل‌آفرین است.

از نظر قانونی، امکان اینکه معدنکار بخواهد از ارز حاصل از صادرات برای واردات لوازم یدکی و ماشین‌آلات و تجهیزات موردنیاز استفاده کند، وجود دارد، اما بروکرسی آنقدر زیاد است که صادرکننده را خسته می‌کند.

بخش دیگری که تحریم‌ها بر آن تأثیر گذاشته‌اند، واردات ابزار، ماشین‌آلات و اقلام مصرفی است و هزینه تامین واردات بالاتر رفته است، البته همان‌طور که گفته شد، تأثیر آنها بیش از ۳۰ درصد نیست و ۷۰ درصد دیگر مشکلات معدنکاری کشور مربوط به مسائل مدیریتی داخلی است.

رقمی که تاکنون در نظر گرفته‌شده، بیشتر باشد، اما در جایی دیگر بسیار بالا است. این مشکل هم هزینه سربراری است که توان معدنکار را می‌گیرد و بسیاری از مواقع تولیدکننده از پس پرداخت این هزینه بر نمی‌آید و توجیه اقتصادی تولید و استخراج معدن از بین می‌رود.

پس فرمول محاسبه حقوق دولتی که برمنای ظرفیت پروانه‌های استخراجی صادر شده نادرست است. بعضی معادن بیش از ظرفیت و برخی دیگر کمتر از ظرفیت تولید می‌کنند، که باید آن را موردمطالعه و بررسی قرار داد و اصلاح کرد.

چالش سوم، مسئله عوارض صادراتی است. حضور در بازارهای هدف باید دقیق و درست سیاست‌گذاری شود و آگاهانه باشد، اما متأسفانه این قوانین در کشور ما به‌طور ناگهانی و بی‌مقدمه تغییر می‌کند که به استراتژی و سیاست‌هایی که معدنکار براساس آن تصمیم می‌گیرد، صدمه می‌زند و باید این هم کارشناسی شود، در نهایت موضوع تحریم‌های ظالمانه‌ای مطرح است که در عمل جلوی صادرات را می‌گیرد و ممانعی برای معدنکاران به‌ویژه در بخش صادرات است.

منشأ داخلی یا خارجی

به‌نظر من، ۲ چالش اول، یعنی موضوع حقوق دولتی و تامین ماشین‌آلات، به‌طورکامل منسوخ داخلی دارد و مربوط به ضعف قوانین، استراتژی و ساختارهای موجود است و با مدیریت درست می‌توان آن را برطرف کرد. بخش تحریم‌ها از اختیار ما خارج است، اما در مجموع فقط ۲۰ تا ۳۰ درصد در ایجاد شرایط موجود سهم دارد.

بخش عمده تأثیر تحریم‌ها را در ۲ بخش می‌توان

سیامک حاج‌سیدجوادی – فعال معدنی و تحلیلگر بازار سنگ: اگر بخواهیم فهرست چالش‌های بخش معدن را تهیه کنیم، نخستین و اصلی‌ترین چالش بخش معدن که بیش از ۷۰ تا ۸۰ درصد مشکل بخش معدن را به خود اختصاص داده، کمبود ماشین‌آلات سنگین معادن است.

ماشین‌آلات سنگین معدنی کشور دست‌کم بین ۲۰ تا ۳۰ سال عمر دارند و مستهلک شده‌اند. شاید بهتر است بگوییم معادن کشور تبدیل شده‌اند به قبرستان ماشین‌آلات سنگینی که روی آنها نمی‌توان نامی جز آهن‌پاره گذاشت.

معدنکاران باید برای تهیه ماشین‌آلات دست دوم بیش از ۴ برابر نرخ اصلی هزینه کنند. هزینه استهلاک، تعمیر و نگهداری آنها نیز به همین نسبت، ۳ تا ۴ برابر نرخ واقعی است و این مسئله هزینه‌های تولید را به‌شکل سرسام‌آوری بالا برده و دارد کمر معدنکاری را می‌شکند. علاوه بر این، بسیاری از معادن، توانایی سرمایه‌گذاری در این بخش را ندارند و تن به تعطیلی می‌دهند یا کمتر از ظرفیت اصلی خود کار می‌کنند.

این سیاست درستی نیست که برای حمایت از یک تولیدکننده داخلی، معدنکاران را موظف کنند ماشین‌آلات موردنیاز خود را از آن کارخانه تهیه کنند، در حالی که شاید بتوان ادعا کرد این تولیدکننده تاکنون بیش از ۵۰ دستگاه در سال تولید نکرده است. در بخش صنعت سنگ، شاید این عدد به ۲۰ دستگاه برسد اما معادن کشور به بیش از ۲ هزار دستگاه نیاز دارند.

چالش هزینه‌های سربار

چالش دیگر، مسئله حقوق دولتی است که به‌صورتی نامتعادل و نامتوازن تنظیم شده است. در جایی باید از

هست، پاسخگو باشد. تمهیدات دیگر، جدا از حمایت‌هایی که به آن اشاره شد، می‌تواند به‌صورت تسهیلات بلندمدت کم‌بهره، ایجاد مشوق‌های و بخشودگی مالیاتی باشد تا اینکه بتواند بقای معادن به‌ویژه معادن کوچک و متوسط را تثبیت کند و چرخه اقتصادی آنها را به‌سمت رونق پیش ببرد و شرایطی مهیا شود که سیاست‌گذار هم از رونق اقتصادی که این معادن ایجاد می‌کنند، در وقت و شرایط مقتضی، بهره خود را ببرد.

فعالیت‌های مثبت

البته باید اشاره کرد که دولت تا امروز فعالیت‌های مثبت و قابل‌توجهی هم داشته است، مثل طرح احیای معادن کوچک و متوسط که در شرکت تهیه و تولید مواد معدنی انجام گرفته است که مخصوص بررسی و پایش مسائل معادن کوچک و متوسط‌مقیاس بود، همین‌طور در سال جدید شرکت‌های دانش‌بنیان حمایت‌های خاصی را با توجه به کارهای خلاقانه و نوآوران شرکت‌های کوچک و متوسط معدنی داشته‌اند. اینها همه، مواردی است که به‌طورقطع توسعه آنها و پایداری و استمرارشان نتایج بسیار مثبتی را در سال‌های پیش‌رو خواهد داشت.

از طرح‌های حمایتی که دولت برای معادن کوچک و متوسط در نظر گرفته، می‌توان به صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت معدنی اشاره کرد که زیرمجموعه سازمان توسعه نوسازی (ایمیدرو) قرار دارد.

فکر و شاکله اصلی‌تمام این تمهیدات حمایتی، در بدو امر خلاقانه و کارآ است، اما باید بپذیریم که سازکار

انوشیروان دلیریان – صاحب‌نظر و فعال معدنی: درباره اینکه دولت به معدن به‌ویژه معادن کوچک و متوسط‌مقیاس چه کمکی می‌تواند بکند، باید گفت هرگونه سیاستی که باعث افزایش توجه سرمایه‌گذار به‌ویژه سرمایه‌گذار بخش خصوصی به معدن و صنایع معدنی شود، می‌تواند گام مهم و بزرگی در حمایت از این بخش باشد. اگر بخواهیم به‌صورت کلان بررسی کنیم، دولت‌ها باید از سیاست‌های انقباضی که باعث خروج سرمایه از صنایع مولد و تولیدی همچون معدن شود، اجتناب کنند و به‌طبع سیاست‌های پولی را طوری طراحی کنند که بخش عمده‌ای از سرمایه موجود در جامعه که در صنایع کوچک و متوسط دست بخش خصوصی است، به‌سمت صنایع مولد پیش برود.

نامی برآزنده بخش معدن

به‌گمان من، نام سال ۱۴۰۱ برآزنده بخش معدن کشور است؛ سال «تولید، دانش‌بنیان، اشتغال‌آفرین»؛ هر ۳ این موارد را در صنعت معدنکاری داریم. به‌عبارت دیگر، این صنعت تولیدی است، برپایه دانش قرار گرفته و روز به روز این دانش، به‌سمت نوآوری و خلاقیت بیشتر پیش می‌رود. علاوه بر این، معدن و معدنکاری در ذات خود اشتغال‌آفرینی را هم دارد. پس هرچقدر سیاست‌گذار بتواند تمهیداتی پیش بگیرد که سرمایه از سایر بخش‌ها به‌سمت معدن و معدنکاری جذب شود، اقتصاد معدن شکوفاتر خواهد شد و به‌نتیج آن، تأثیرات مثبتی در تولید ناخالص داخلی کشور و اشتغالزایی خواهد داشت، بنابراین معدن می‌تواند در تمام مواردی که در شعار سال ۱۴۰۱

سیاست‌های انقباضی ممنوع



ما نتوانیم از سرمایه‌گذاری خارجی استفاده کنیم، در عمل فرصت‌سوزی بزرگی است. سرمایه‌گذاری خارجی سایه خود، فواید زیادی خواهد داشت؛ آوردن تکنولوژی، آوردن ماشین‌آلات به‌روز و مانند آن، و نکته آخر اینکه به‌طورقطع دولت و سیاست‌گذار باید به این نکته توجه کند که علم معدنکاری به‌واسطه اینکه صنعتی زیربنایی و مادر است، بیش از سایر صنایع نیازمند ارتباط برون‌مرزی است. علاوه بر این، فناوری‌های معدنی همیشه جزو آن دسته از فناوری‌هایی بوده‌اند که ما به‌صورت وارداتی داشتیم و باید بتوانیم با ارتباطی که با جامعه بین‌الملل برقرار می‌کنیم، از این تبادل دانش در زمینه ماشین‌آلات معدنی، سیستم‌های نوین فراوری، روش‌های جدید اکتشاف معادن و بکارگیری روش‌های بهینه با راندمان بالا در زمینه بهره‌برداری از معادن، کمال استفاده را ببریم.

سخن پایانی

زمزمه‌های احیای برجام باز به‌گوش می‌رسد. هرچند کارشناسان ما وزن بیشتر مشکلات حوزه معدن را به دوش مدیریت داخلی می‌اندازند، اما امید است با رفع تحریم‌ها، رونق اقتصادی به کشور بازگردد و در کنار آن، بخش معدن هم با دستی بازتر و بی‌منع و محدودیت به‌فعالیت بپردازد.